



گاهنامه علمی - فرهنگی - پژوهشی بشری
مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)
شماره اول، اسفند ۹۴





از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

«مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ
فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَلَوْ كَلَّمَ شَيْءٌ فِيهَا لَنَحَلَهُ
رَسُولُ اللَّهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ»

از جهت حمد و ذکر، خدا با چیزی بهتر از تسبیح حضرت
فاطمه زهرا (س) عبادت نشده است. اگر عملی بهتر از
آن بود، پیامبر خدا آن را به زهرا (س) عطا می کرد.



وسائل الشیعه، ج ۴، ابواب تعقیب، باب ۱، من ۴، ح ۱



فهرست

سخن سر دیر / ۲
دل نوشته / ۳

راز افتاب

کلام مهر / ۴ مثنی ترانی و تراک / ۵

ایه های نور

بسم الله الرحمن الرحيم / ۸
اسرار و فوائد بسم الله الرحمن الرحيم / ۱۰

زیر نور ماه

صحیفه سجاده / ۱۲

سر طبران

جمادی الاول، جمادی الثانی / ۱۳
چشم مهتاب گریه می کرد / ۱۴

دانشنامه

فدک چیست / ۱۵ شق القمر / ۱۷

پژوهش‌سرا

ضرورت و اهمیت تحقیق و پژوهش
از دیدگاه اسلام و قرآن / ۱۹
ن و الفلم و ما یسطرون / ۲۰ شبهات فاطمیه / ۲۲

ادبیات تبلیغ

گفتگوی ویژه / ۲۵
تبلیغ با عمل و بصیرت
در کلام رهبر معظم انقلاب / ۲۷

مناظر

بهداشت مو / ۲۸ نه گفتن / ۲۹

بیداری

جستی و جرایب شکل گیری
جریان های تکفیری در دهه اخیر / ۳۰

دانستنیها

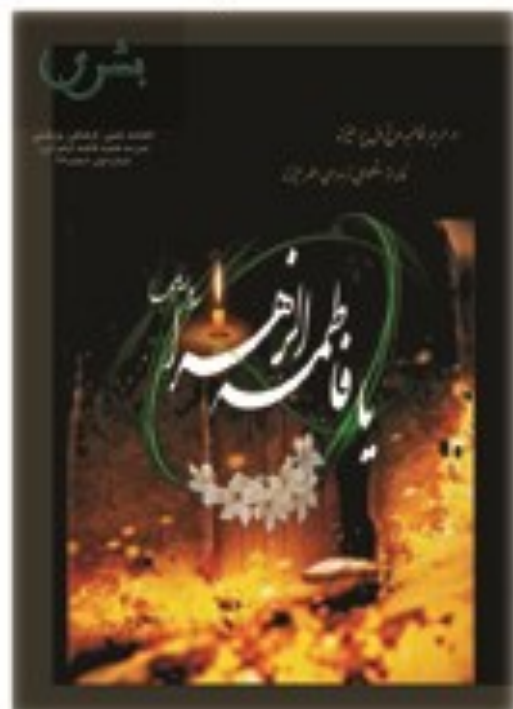
سپر دشمن سر سخت سرماخوردگی / ۳۲
روغن درخت چای / ۳۳

معرفی کتاب

قاصدك

اخیر فرهنگی / ۳۶ گزارش پژوهشی / ۳۷
گزارش آموزشی / ۳۸

مسابقه / ۳۹



صاحب امتیاز: مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س)
مدیر مسئول: سرکار خانم زهرا معصومی
سر دبیر: انسیه دهقان
طراح: انسیه دهقان
هیأت تحریریه: معصومی، دهقان، کمال، قربانی
صادقی، قربانی، اژدری، ضیائی، آسپان،
بهروزی، هادیزاده، کهکمی .
آدرس: فارس، داراب، خیابان جمهوری
حوزه علمیه فاطمه الزهرا(س)
تلفن: ۰۷۱۵۳۵۶۴۴۶۱
نشریه بشری از آثار شما استقبال می کند.

بشری

سفن سر دل‌بیر

به نام آن که یادش آرام بخش دلهاست
و به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است
خدایا! به پیشگاهت وسیله‌ای جز عواطف مهتر ندارم،
و به درگاهت دست آویزی جز آنچه از رحمت شناخته شده،
و جز شفاعت پیامبرت، پیامبر رحمت، رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم،
خدایا! این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزش قرار ده،
و آن دو را رابطه‌ای برای دست یابی به خشنودیت بگردان.
سلام و درود
اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

در حریم فاطمیه مغ دل‌پری زند ناله از مظلومی زهرای اطهر میزند

السلام علیک یا فاطمه الزهرا
اللهم صلّ علی فاطمه و ابیها و بعلمها و بنیها [و السّر المستودع فیها] بعدد ما أحاط به علمک.
بارپروردگارا! درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامی‌اش و فرزندان عزیزش
[و آن رازی که در وجود او به ودیعه نهادی]، به تعداد آنچه دانش تو بر آن احاطه دارد.
خداوند متعال را شاکریم، از این که توفیقی شد، تا از این راه با شما همراه شویم و مهمان
دل‌های پاک شما باشیم.
به نصرت الهی اولین شماره «بشری» را به نام الله و نامی محمد و آل محمد آغاز می
کنیم. باشد که از این رهگذر بتوانیم با شما تعاملی دوستانه و در عین حال پرباری داشته
باشیم.
نظرات و پیشنهادات شما عزیزان ما را در این راه یاری خواهد نمود.
منتظر آثار شما دوستان عزیز در شماره‌های بعدی نشریه «بشری» هستیم.

خدا ایلم...
تو خود کفتی بخوانید تا اجابت کنم شمارا
ادعوی ابی تحت کلم

پس چرا هر چه می خوانست اجابتی برایم نیست
مگر نه ای که کفتی از رک کردن به بندگانم نزد مکرّم
پس چرا این همه فاصله در خود احساس می کنم
چرا هر چه در وجودم کنکاش می کنم نمی یابست
خدا ایلم...

از کدام جاده عبور کردم که تو را کم کرده ام
کدام ناکرده را مرکب شدم که از تو فاصله گرفته ام
در دنیایی سیاه غرق شده ام که تمام وجودم را ترس
احاطه کرده است

به کدام سو گام بردارم که به آغوش امن تو بازگردم
می ترسم از این سیاهی
می ترسم از این همه تنهایی

صغری ضیائی



خدا کند که کسی عاشق چو ما شود

ز دام خال سیاهش کسی رها شود

خدا کند که نیفتد کسی ز چشم مکار

به نزدیک چو پاپست و بی بها شود

چو آب نالدی مارا نمی دهد دلبر

خدا کند که کسی تبسم الدعا شود

شنیده ام که از این حرف، یاد نرفته شده

خدا کند که به اخراج مار رضا شود

مرض عتقم و من را طیب لازم نیست

خدا کند که مریضی من دوا شود

ز روزگار غریم کشته است معلوم

... شقایق ما به قیامت بجزر رضا شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا
 وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ لَهُ شُكْرًا

متنی توانی و نراک

خانم عفت کمال

علت بیان این مقدمه این است که هیچ کدام از ما نباید گمان کنیم معرفتی که به وجود مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف داریم، کافی و وافی است. ما باید خیلی بیش تر از این ها کار کنیم تا معرفتمان به حضرت کامل شود. اگر از مقام و منزلت امام زمان (ع) آگاه باشیم، هر آنچه به حضرتش منسوب است، در نظر ما نیز عزیز خواهد بود، اما اگر از منزلت امام زمان (ع) بی اطلاع باشیم، چیزهایی که به آن گرامی منسوب است، در نظر ما کم ارزش خواهد بود.

برخی از راههای کسب معرفت امام زمان (عج)

۱. ظاهر ساختن آثار محبت در عمل (صدقه، دعا و...)

یکی از راههای تثبیت محبت و معرفت به امام زمان (ع) این است که آثار محبت او را در عمل نشان دهیم. اگر یکی از دوستانتان که به او خیلی انس و علاقه دارید، به مسافرتی طولانی برود، در ابتدا برای او دلتنگی می کنید؛ ولی پس از مدتی، دوری و فراق او را فراموش می کنید. این طبیعت بشری است که از دل برود، هر آن که از دیده برفت.

برای بازتاب نور، آینه باید صیقلی باشد، و در برابر نور نیز قرار بگیرد. اگر آینه ای صیقلی باشد، ولی در اتاق تاریک قرار گیرد نمی تواند نور را منعکس کند. همچنین اگر اتاق روشن باشد، ولی آینه صیقلی نباشد نمی تواند نور را بازتابد.

برای معرفت روز افزون به امام زمان (ع) هم باید آذله روشنی یافت، و هم دل را پاک و باصفا کرد. هر قدر دل، صفایش بیش تر باشد، آذله محکم نیز بیش تر می شود و آن وقت است که ایمان، قوی تر، معرفت، بیش تر و عشق نیز افزون تر می شود؛ البته عشقی ماندگار است که اصالت داشته باشد، نه این که هوسی باشد و در وضعی خاص در انسان ظهور یابد و بعد نیز خاموش و فراموش شود.

تابش نور حضرت، همیشگی و دائم است. مهم آن است که ما دل هایمان را آماده کنیم و از آن زنگار بگیریم تا نور حضرت بر دل هایمان بتابد و فیض دائم او بر ما ببارد. وقتی دلی توجعش به شیطان و آلوده به ظلمت گناه است، دیگر لیاقت توجه به امام عصر ارواحنا فداه و بازتاب نور حضرت را ندارد. اما اگر دلی به دنیا، هوس ها و شیطنتها آلوده نباشد، چونان آینه ای صیقلی نور آن بزرگوار را منعکس می سازد.



منظر فرج امام زمان (ع) بودن، فرج‌ها و گشایش‌هایی را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد، ایمانشان محفوظ می‌ماند، دلشان آرام می‌شود، وجود مقدس امام زمان (ع) را حس می‌کنند، با حضرت ارتباطی برقرار می‌کنند، و به تدریج یقین می‌یابند روزی فرا خواهد رسید که حکومت عدل در جهان برقرار می‌شود.

۲. احترام به آثار منسوب به حضرت (ع)

الف. احترام به لباس روحانیان

در همه حال باید به آثار منسوب به امام زمان (ع)، از جمله به نام و لباس روحانی که زنده‌کننده یاد حضرت است، احترام بگذاریم. جز این است که هرکسی با دیدن این لباس، به یاد خدا، پیامبر (ص) و امام زمان (ع) می‌افتد؟!

در درجه اول، خود ما روحانی‌ها باید به لباسی که می‌پوشیم، اهمیت دهیم. وقتی متولی امام زاده، احترام امامزاده اش را نگه ندارد،

نباید توقع داشته باشد که مردم به آن امامزاده احترام بگذارند.

اما اگر انسان، از همان روزهای اول جدایی، هر روز برای دوستش نامه بنویسد و با نگاه کردن به عکس، خاطره‌های او را به یاد بیاورد می‌تواند رابطه‌ای قلبی و معنوی بین خود و دوستش برقرار سازد.

اگر ما بخواهیم معرفت و محبت‌مان، به ولی عصر (ع) ثابت بماند، باید آثارش را زنده نگه داریم؛ او را فراوان یاد کنیم؛ نام مقدسش را جلو چشم خود، روی میزمان یا لابه لای کتاب‌هایمان بنویسیم؛ هر روز برای حضرت دعای فرج بخوانیم؛ هنگام نماز و دیگر مناسبت‌ها، از آن بزرگوار یادی بکنیم و برای وجود مقدسش، صدقه بدهیم. درست است که کارهای ما در پیشگاه حضرت چیزی نیست، ولی شرط وفا و مروت آن است که در حدّ وسیع خویش به آن عزیز ابراز ارادت کنیم.

اگر با شرمندگی و خضوع صدقه بدهیم و برای ظهورش دعا کنیم، فقط برای خودمان سازنده و تکامل آور است.

دعا خواندن برای فرج امام زمان (ع)، فرج ما نیست. *لَا يَطَارُ الْفَرَجُ مِنَ الْفَرَجِ* (کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۱۶۲).



این توقع از مردم که به روحانی و لباس او احترام بگذارند، در صورتی بجا است که اول خودمان به این لباس احترام بگذاریم.
حتی اگر یک روحانی، هیچ فضیلتی نیز نداشت، باید برای لباسش او را تکریم کنیم.
این کار برای خودم منفعت دارد، نه برای او؛ چرا که ایمان من قوی تر، و محبتم به صاحب این لباس یعنی پیامبر (ص) و امام زمان (ع) بیش تر می شود.

ب. احترام به روایات و کتاب های روایی
خداوند رفیع الدرجات، درجات مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه را عالی تر بفرماید. او وقتی کتاب روایت را به دست می گرفت، آن را می بوسید. اگر درون قفسه کتابی، کتاب روایت وجود داشت، طوری می نشست که پشت به کتاب روایت نباشد. در جلساتی که در منازل اهل علم تشکیل می شد، بسیار مواظب بود به قفسه کتاب ها پشت نکند و به کتاب های روایی، کم ترین بی احترامی نشود.
علامه طباطبایی (رحمه الله)، گوهرشناس بود و قدر پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) را می دانست؛ از این رو جلد کتاب روایت را می بوسید و معتقد بود که این کتاب به صاحبش انتساب دارد اگر معرفت داشته باشیم، می فهمیم که مقام این بزرگان تا چه اندازه والا است.

فهم ما کجا و مقام امامان معصوم (ع) کجا؟!
خضوع و افتادگی در آستان امام زمان (ع).
مبادا از توسل، توجه، دعا، زیارت و سایر وسایل نزدیکی به خداوند و اولیای والا مقام او غفلت کنیم!

گاهی ممکن است یک کار کوچک، آن قدر لطیف و پرمعنا باشد که از عبادت های خیلی سنگین نیز اثرش بیش تر باشد.
توجه معنوی و روحی می تواند همه عوامل مادی را محکوم کند.

اگر آن اکسیر و آن ارتباط معنوی و قلبی را بیابیم، خیلی از مشکلات حل می شود.
آن وقت است که انسان می فهمد، گردوخاک زائران آستان مقدس معصومان (ع) که اهل معرفت، شفای بیماری هایشان را در آن می جویند، چه اکسیر بزرگی است. بزرگانی از مراجع عظام را دیده ام که خاک حرم حضرت معصومه (ع) را با دست بر می داشتند بر قلبشان می مالیدند. آنان حقیقتی را می بینند که ما نمی بینیم. ایشان معرفتی دارند که ما نداریم.
ارزش کارهای ما بر میزان خضوع و طاعت و افتادگی ما در پیشگاه امام زمان (ع) وابسته است. معنای حقیقی عبادت نیز همین است.
پی نوشت:

گزیده ای از بیانات علامه مصباح یزدی



آیه های نور

خانم ام البنین قربانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چرا که این ارتباط آن را در مسیر صحیح قرار می‌دهد و از هر گونه انحراف باز می‌دارد و به همین دلیل چنین کاری حتماً به پایان می‌رسد و پر برکت است.

به همین دلیل در حدیث معروفی از پیامبر (ص) می‌خوانیم:

«کل امر ذی بال لم يذكر فيه اسم الله فهو ابتر».

«هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود بی‌فایده است» بحار جلد ۱۶ باب ۵۸ (طبق تفسیر البیان جلد ۱ صفحه ۴۶۱).

و نیز می‌بینیم امام باقر (ع) می‌فرماید:

سزاوار است هنگامی که کاری را شروع

می‌کنیم، چه بزرگ باشد چه کوچک، بسم

الله بگوئیم تا پر برکت و میمون باشد».

پایداری و بقاء عمل بسته به ارتباطی است

که با خدا دارد. از این رو خداوند بزرگ در

نخستین آیه که به پیامبر (ص)، وحی شد

دستور می‌دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام

این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع کند:

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ . علق / ۱.

میان همه مردم جهان رسم است که هر کار مهم و پر ارزشی را به نام بزرگی از بزرگان آغاز می‌کنند، و نخستین کلنگ هر مؤسسه ارزشمندی را به نام کسی که مورد علاقه آنها است بر زمین می‌زنند، یعنی آن کار را با آن شخصیت مورد نظر از آغاز ارتباط می‌دهند. انبیای الهی به انسانهای موحد این گونه تعلیم داده‌اند که برای پاینده بودن یک برنامه و جاوید ماندن یک تشکیلات، آن را به موجود پایدار و جاویدانی ارتباط دهیم، موجودی که فنا در ذات او راه ندارد، چرا که همه موجودات این جهان به سوی کهنگی و زوال می‌روند، تنها موجود باقی و ابدی، ذات پاک الهی است از میان تمام موجودات آنکه ازلی و ابدی است.

تنها ذات پاک خدا است و به همین دلیل باید همه چیز و هر کار را با نام او آغاز کرد. و در سایه او قرار داد و از او استمداد نمود، لذا در نخستین آیه قرآن می‌گوئیم: «بِاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (بسم الله الرحمن الرحيم).

این کار نباید تنها از نظر اسم و صورت باشد، بلکه باید از نظر واقعیت و معنی با او پیوند داشته باشد.



بسم حضرت نوح (ع)، در آن طوفان سخت و عجیب هنگام سوار شدن بر کشتی و حرکت روی امواج کوه پیکر آب، که هر لحظه با خطرات فراوانی روبرو بود برای رسیدن به سر منزل مقصود و پیروزی بر مشکلات به پاران خود دستور می‌دهد که در هنگام حرکت و در موقع توقف کشتی «بسم الله» بگویند (و قال ازکبوا فیها بسم الله مخرهاها و مرساها) (هود / ۴۱)، و گفت: در کشتی سوار شوید. بسم الله، معبر و محل عبور و موجب متوقف شدنش است. سرانجام، آن‌ها این سفر پر مخاطره را با پیروزی، پشت سر گذاشتند و با سلامت و برکت از کشتی پیاده شدند.

همچنین سلیمان (ع)، در نامه‌ای که به ملکه سبا می‌نویسد سر آغاز آن را «بسم الله» قرار می‌دهد (إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ...) (نحل / ۳۰) این نامه از سلیمان است و «به نام خداوند بخشنده مهربان».

طبق همین اصل، تمام سوره‌های قرآن، با بسم الله آغاز می‌شود، تا هدف اصلی که همان هدایت و سوق بشر به سعادت است از آغاز تا انجام با پیروزی قرین باشد.

تنها سوره توبه است که «بسم الله» در آغاز آن نمی‌بینیم، چرا که سوره توبه با اعلان جنگ به جنایتکاران مکه و پیمان‌شکنان آغاز شده.

و اعلام جنگ با توصیف خداوند به «رحمان و رحیم» سازگار نیست.

در اینجا توجه به یک نکته لازم است و آن اینکه ما در همه جا، «بسم الله» می‌گوییم، چرا نمی‌گوییم بسم الخالق یا بسم الرازق و مانند آن؟! نکته این است که «الله»، جامع‌ترین نامهای خدا است و همه صفات او را یک جا بازگو می‌کند، اما نامهای دیگر اشاره به بخشی از کمالات او است، مانند خالقیت و رحمت او و مانند آن.

دستور گفتن این رمز برای آن است که روی فکر و دل را از غیر خدا برگرداند، تا انسان، همه جهان و هر عملی را از نظر توحید پنگرد و به سوی وحدت و ارتباط بگراید، و نام‌های بت‌ها و قدرتمندان را در آغاز کارهای مهم، از خاطر بزداید تا از پراکندگی برهد و نگرانی به خود راه ندهد از آنچه گفتیم این حقیقت نیز روشن شد.

که گفتن بسم الله در آغاز هر کار، هم به معنی استعانت جستن به نام خدا است، و هم شروع کردن به نام او، و این دو یعنی «استعانت» و شروع که مفسران بزرگ ما گاهی آن را از هم تفکیک کرده‌اند و هر کدام یکی از آن دو را در تقدیر گرفته‌اند به یک ریشه باز می‌گردد. خلاصه این دو لازم و ملزوم یکدیگرند یعنی هم با نام او شروع می‌کنم و هم از ذات پاکش استعانت می‌طلبم.



شهر رحمت

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «در بهشت شهری است به نام مدینه الرحمه که بی نهایت زیباست، هر که به آن رسید از رحمت رست و به رحمت پیوست. در آن شهر خانه‌ای است به نام بیت الجلال که درهای بسیار دارد و کلید درهای آن بسم الله الرحمن الرحيم است. چون بنده مؤمن بسم الله را با اخلاص بر زبان راند درها باز شود و از سوی خداوند ندا شود که مُلک این خانه و ولایت این شهر را به تو سپردیم». کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۹، ص ۲۱۶.

جاذبه آیه رحمت

یکی از مردم ژاپن که به اسلام گروید، در بخشی از نامه‌اش می‌نویسد: بسیاری از مردم ما در ژاپن در واقعه هیروشیما و نابودی و مجروح و مقتول شدن هزاران انسان، حتی ادیان خود را از دست دادند. زیرا این حمله وحشیانه از سوی کشوری به ما صورت گرفت که از خدا و از مسیح و مذهب دم می‌زد، یعنی آمریکا، جمعی از در گذشتگان آن فاجعه از نزدیکان خود من بودند، لذا من از جنگ و خشونت نفرت دارم و به رحم و به عدالت و احسان و ایمان به خدای رحیم و عادل کشش دارم.

پیامبر (ص): «آیه إذا قال الْمُعَلِّمُ قل بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ الصَّبِيُّ بسم الله الرحمن الرحيم كَتَبَ اللهُ بِرَأَاهُ لِلصَّبِيِّ وَ بِرَأَاهُ لِأَبُوهِ وَ بِرَأَاهُ لِلْمُعَلِّمِ» وقتی معلم به کودک بگوید: بگو بسم الله الرحمن الرحيم و کودک آن را تکرار کند، خداوند برای کودک و پدر و مادرش و معلم، برائت از آتش در نظر خواهد گرفت. (بحار الانوار ط-بیروت) ج ۸۹، ص ۲۵۷.

امام علی (ع): «بسم الله شفاء من كل داء و عون لكل دواء»: بسم الله، شفای هر دردی و یاری کننده هر دارویی است. (نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۴۲).

از مولای متقیان حضرت علی (ع) روایت شده است: وقتی که بسم الله الرحمن الرحيم بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، آن حضرت فرمود: «اولین بار که این آیه بر حضرت آدم نازل شد، تا زمانی که فرزندان من این آیه را قرائت کنند از عذاب (الهی) در امان خواهند بود».

نور دل‌ها

بسم الله نور دل دوستان است، آیینه جان عارفان است، چراغ سینه موحدان است، آسایش رنجوران و مرهم خستگان است، شفای درد و طیب بیمار

دلان است.



برای منی بیان شد که نخستین آیه‌ای که بر پیغمبر (ص) نازل شد، بسم الله الرحمن الرحيم است که در آن دو بار از رحمت خداوند سخن به میان آمده است و یکصد و چهارده بار در قرآن تکرار گردیده و هر مسلمانی علاوه بر ضرورت قرائت آن در نمازهایش قبل از شروع هر کار باید بسم الله الرحمن الرحيم بگوید... و من برای همین امور حیاتی مسلمان شده‌ام.

زبان غفلت

عبد الله بن یحیی که از دوستان امیر مؤمنان علی (ع) بود به خدمتش آمد و بدون گفتن بسم الله بر تختی که در آنجا بود نشست، ناگهان بدنش منحرف شد و بر زمین افتاد و سرش شکست، علی (ع) دست بر سر او کشید و زخم او التیام یافت بعد فرمود: «ایا نمی‌دانی که پیامبر (ص) از سوی خدا برای من حدیث کرد که هر کار بدون نام خدا شروع شود بی سرانجام خواهد بود، گفتیم: پدر و مادرم به فدایت باد می‌دانم و بعد از این ترک نمی‌گوییم، فرمود: در این حال بهره‌مند و سعادتمند خواهی شد». تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۱۶.

دستور العمل

یکی از عارفان گفته است: هر که مشکلی دارد و از تدبیر و حل آن عاجز است در روز جمعه پس از ادای نماز عصر هیچ ذکر نمی‌خواند و با حضور قلب کامل دو نام رحمن و رحیم را، که مخصوص خدای سبحان است،

به صورت نذا تا غروب آفتاب تکرار کند و پس از آن سر به سجده بگذارد و حاجتی که دارد از خداوند بخواهد، البته بر آورده شود. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۳۷.

شفای قیصر

قیصر روم به سر دردی شدید مبتلا شده بود که تمام پزشکان از درمان او عاجز ماندند. نامه‌ای به محضر امیرمؤمنان علی (ع) نوشت و گزارش حال خود را به آن حضرت عرض کرد. امام علی (ع) کلاهی را نزد وی فرستاد و فرمود: آن را بر سر نهد تا شفا یابد. قیصر چون آن را بر سر گذاشت فوراً شفا یافت و بسیار تعجب کرد. دستور دارد آن کلاه را بشکافند و ببینند داخلش چیست.

وقتی که آن را شکافتند کاغذی در آن یافتند که نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم» قیصر روم دریافت که شفای او از برکت بسم الله بود و برای همین مسلمان شد. (منهج الصادقین: ج ۱، ص ۳۸ - تفسیر ابوالفتح)، ج ۱، ص ۲۴.

پی نوشت: ها

تفسیر نمونه.

منهج الصادقین: ج ۱، ص ۳۸، تفسیر ابوالفتح، ج ۱، ص ۲۴.

(بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۸۹، ص ۲۵۷).

کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۹، ص ۳۱۶.

(نزهه الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۴۲).

صحیفه سجادیه، ارجمندترین کتاب نیایش و پرستش است و هیچ اثری که تمام آن به زبان نیایش و دعا باشد، همپایه و همسنگ آن نیست. قرآن، ارجمندترین کتاب است و نهج البلاغه، برادر آن نامیده شده و صحیفه سجادیه را خواهر قرآن نامیده اند، اما سخن بر سر ارجمندترین کتابی است که تمام آن به زبان نیایش است.

چنین کتابی، صحیفه سجادیه است و از بعد نیایش، بدیل و رقیب ندارد. ترجمه مرحوم جواد فاضل، فراتر از یک ترجمه است، بهتر است آن را ترجمه و نگارش نام نهیم. از ترجمه فراتر و از شرح کوتاهتر است. باید اذعان داشت اکنون که بیش از چهل سال از ترجمه و نگارش این اثر می گذرد هنوز ترجمه و نگارشی به این زیبایی و شیوایی در زبان فارسی از صحیفه سجادیه سراغ نداریم. از این رو تهیه و انس با این کتاب را به شما مخاطبان عزیز توصیه می کنیم.

توصیه به خواندن صحیفه سجادیه

مرحوم مجلسی (ره) در کتاب «روضه المتقین» در شرح «من لا یحضره الفقیه» می گوید: «که در اوایل بلوغ در مسجد قدیم اصفهان میان خواب و بیداری حضرت صاحب الزمان (عج) را دیدم، گفتم: مولای من! چون نمی توان همیشه خدمت شما شرفیاب شوم کتابی به من عنایت کنید که همیشه به آن عمل کنم. آن حضرت به واسطه شخصی، نسخه ای از کتاب صحیفه سجادیه را به ایشان می دهند و بعد از مدتی به برکت (وجود امام زمان (عج)، کتاب شریف صحیفه سجادیه اشتها می یابد».



پنجم جمادی الاول

مقام معظم رهبری پیرامون شخصیت

حضرت زینب (س) می فرمایند:

در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری (س) برابر قرار داده‌اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری یک نمونه‌ی برجسته‌ی تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. اینکه گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعاً پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. زینب (س) نشان داد که میتوان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ

آیه الله خامنه ای:

پرستار آن انسان مهربان است که با رفتار و اخلاق و خدمات خود، سلامت بیمار را به او هدیه می کند. اگر طبیب درمان خود را به انجام رساند، اما خدمات پرستاری نباشد، تأمین سلامت بیمار دشوار است.

سیزدهم جمادی الاول

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)

امام خمینی (ره):

ایشان درباره حضرت زهرا (س) می فرماید: «او حرکت معنوی خود را با قدرت الهی، با دست غیبی و با تربیت رسول الله شروع، و تمامی مراحل معنوی را طی کرده است تا به مرتبه ای رسیده که دست همه از او کوتاه گشته است».

سوم جمادی الثانی

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)

مقام معظم رهبری:

عمده ترین رمز بقای اسلام، از طریق حضرت فاطمه (س) است..

تجلیل از مقام فاطمه تکریم ایمان، تقوا، علم، ادب، شجاعت، ایثار، جهاد، شهادت و هر یک کلام مکارم اخلاق است. فاطمه زهرا (س) الگوی تمام انسانیت از زن و مرد بوده و هست زیرا در انسانیت به درجات کامل رسیده بود و چون نصیبی از بهشت داشت. او را حوراء انسیه می گویند یعنی انسانی فرشته صفت. دخت گرامی رسول اکرم (ص) معمای ناشناخته ذهن و معارف بشری است.

پی نوشت

بیانات امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب

خاتم ادهقان



چشم منتاب کریه می کردو
نیز شب آب کریه می کردو
در طواف شکسته بهلوی
مثل کرداب کریه می کردو
غسل می کرد هر قدر آن شب
باز خواب کریه می کردو
کریه با کر چه بی صدا بودند

دل بی تاب کریه می کردو
ماه قدش خمیده بودو با
آفتاب کریه می کردو
مادری پای پای طفلانش
باز در خواب کریه می کردو
هر که با چشم تر زمین می خورد
کوه هم با کمر زمین می خورد
داشت سلطان می آمد از خانه
که سر هر کذر زمین می خورد
کودکی نیز پشت یک تابوت
پشت پای پدر زمین می خورد
که به داد دل علی برسد
گاه گاهی که بر زمین می خورد
راه می رفت با عصا
بین دیوار و در زمین می خورد

فدک چیست



الف) موقعیت جغرافیایی فدک

فدک دهکده‌ای در شمال مدینه بود که تا آن شهر دو یا سه روز راه فاصله داشت. ۱۱ این دهکده در شرق خیبر و در حدود هشت فرسنگی ۲ آن واقع بود و ساکنانش همگی یهودی شمرده می‌شدند. امروزه فاصله خیبر تا مدینه را حدود ۱۲۰ یا ۱۶۰ کیلومتر ذکر می‌کنند. ۳

ب) فدک و رسول خدا(ص)

در سال هفتم هجرت، پیامبر خدا(ص) برای سرکوبی یهودیان خیبر که علاوه بر پناه دادن به یهودیان توطئه‌گر رانده شده، از مدینه به توطئه و تحریک قبایل مختلف علیه اسلام مشغول بودند، سپاهی به آن سمت گسیل داشت و پس از چند روز محاصره دژهای آن را تصرف کرد.

پس از پیروزی کامل سپاه اسلام - با آن که اختیار اموال و جان‌های شکست خوردگان همگی در دست پیامبر(ص) قرار داشت - رسول خدا(ص) با بزرگواری تمام، پیشنهاد آنان را پذیرفت و به آن‌ها اجازه داد نصف خیبر را در اختیار داشته باشند و نصف دیگر از آن مسلمانان باشد. بدین ترتیب، یهودیان در سرزمین خود باقی ماندند تا هر ساله نصف درآمد خیبر را به مدینه ارسال دارند.

با شنیدن خبر پیروزی سپاه اسلام، فدکیان که خود را همدست خیبریان می‌دیدند، به هراس افتادند؛ اما وقتی خبر برخورد بزرگوارانه پیامبر(ص) با خیبریان را شنیدند، شادمان شدند و از رسول خدا(ص) خواستند با آنان همانند خیبریان رفتار کند. پیامبر خدا(ص) این درخواست را پذیرفت. ۴



حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند :
 «خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار داد و
 کسی که حقوق بندگان را رعایت کند حقوق خدا را نیز رعایت خواهد کرد»

ج) تفاوت فقهی حکم خیبر و فدک

رفتار رسول خدا درباره فدک و خیبر یکسان می نماید؛ ولی این دو سرزمین حکم همسان ندارند. مناطقی که به دست مسلمانان تسخیر می شود، دو گونه است:

۱. مکان های که با جنگ و نیروی نظامی گشوده می شود. این سرزمین ها که در اصطلاح «مفتوح العتوة» (گشوده شده با قهر و سلطه) خوانده می شود، به منظور تقدیر از تلاش جنگجویان مسلمان در اختیار مسلمانان قرار می گیرد و رهبر جامعه اسلامی چگونگی تقسیم یا بهره برداری از آن را مشخص می سازد. ۵. منطقه خیبر، جز دو دژ آن به نام های «وطیح» و «سلام» این گونه بود.

۲. مکان هایی که با صلح گشوده می شود؛ یعنی مردم منطقه ای با پیمان صلح خود را تسلیم می کنند و دروازه های خود را به روی مسلمانان می گشایند. قرآن کریم اختیار این نوع سرزمین ها را تنها به رسول خدا (ص) سپرده است ۷ و مسلمانان در آن هیچ حقی ندارند. فدک و دو دژ پیش گفته خیبر این گونه فتح شد. بنابراین، ملک رسول خدا (ص) گشت

. طبری مورخ بزرگ می گوید: «و کانت فدک خالصة لرسول الله (ص) لانهم لم یجلبوا علیها یخبل و لا رکاب ۸ فدک ملک خالص پیامبر خدا (ص) بود. زیرا مسلمانان آن را با سواره نظام و پیاده نظام نگشودند»

پی نوشت :

۱. معجم البلدان، یاقوت حمومی، ج ۵، ص ۴۱۷.
۲. دانشنامه امام علی (ع)، ج ۸، ص ۳۵۵ (مقاله فدک).
۳. همان، ص ۳۵۱.
۴. تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری، ج ۲، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ فتوح البلدان، ابوالحسن بلاذری، ص ۴۲؛ السقیفة و فدک، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری، ص ۹۷.
۵. الاحکام السلطانیة، ابوالحسن ماوردی، ص ۱۳۹.
۶. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۰۲.
۷. حشر (۵۹): ۶.
۸. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۳۰۲.



خانم اسما بهروزی

برحسب اخباری که از ناسا انتشار یافته ،
تصاویری از ماه وجود دارد که حاکی از وجود
یک رشته صخره های تغییر شکل یافته در
سطح ماه می باشد که تا عمق آن امتداد یافته
و از نیمه دیگر آن برآمده و این دلیلی بر
شکافته شدن ماه و پیوند دوباره آن در دورانی
از حیات آن می باشد.

در روایات اسلامی آمده که کفار مکه از پیامبر
اسلام (ص) تقاضا کردند برای صدق دعوی
خود ماه را به دو نیم بشکافد و به او قول
دادند که اگر چنین نماید به دین اسلام و
صدق گفتار او ایمان خواهند آورد...

آن شب آسمان صاف و ماه به صورت کامل
(بدر) بود. پیامبر (ص) از خداوند خواست تا
آنچه را که کفار مکه از او خواسته اند به آنها
نشان بدهد تا ایمان بیاورند ...

خداوند دعای پیامبرش را اجابت کرد ... و
سپس ماه به دو نیم شکافته شد نیمی در کوه
صفا و نیم دیگر در کوه فیقعان در مقابل آن
قرار گرفت.

کفار مکه که در حال مشاهده این واقعه بودند
گفتند: که محمد (ص) ما را سحر کرده است،

سپس گفتند: اگر او ما را سحر کرده باشد، نمی
تواند همه مردم را سحر کند، ابوجهل گفت: صبر
کنید تا یکی از اهل بادیه بیاید و از او سؤال کنیم
که آیا انشقاقی ماه را دیده است یا نه، شاید تایید
کرد ایمان می آوریم و اگر نه معلوم می شود
که محمد (ص) چشمان ما را سحر کرده است.

بالاخره یکی از اهالی بادیه به مکه آمد و این خبر
را تصدیق کرد و آنگاه ابو جهل و مشرکان گفتند:
این سحر مستمر است و آنگاه این آیات مبارک
نازل شد «اقتربت الساعة واتشق القمر» باری این
موضوع پایان یافت و مشرکان ایمان نیاوردند.

در یکی از نشستهای دکتر (زغلول النجار) در
یکی از دانشگاههای انگلیس، وی در خصوص
معجزه شق القمر در صدر اسلام به دست پیامبر
(ص) به عنوان یکی از معجزات پیامبر (ص) که
توسط ناسا به اثبات رسیده است صحبت می کرد.

در این میان یکی از حاضران که به اسلام خیلی
توجه و اهتمام داشت به نام (داوود موسی
بیشکوک) که در حال حاضر نیز رئیس حزب
اسلامی بریتانیا است ماجرای مسلمان شدن خود
را اینگونه نقل کرد:

«هنگامی که می خواستم در مورد اسلام تحقیق کنم یکی از دوستانم ترجمه ای از قرآن کریم به زبان انگلیسی را به من هدیه کرد و من نیز بطور اتفاقی آن را باز کردم و اتفاقاً سوره قمر آمد. سپس شروع به خواندن کردم ...

و ماه شکافته شد... وقتی به این جمله رسیدم از خود پرسیدم آیا واقعا ماه شکافته شده است؟!

سپس با ناباوری کتاب را بسته و به کناری گذاشتم و از تحقیق در باره اسلام هم منصرف شدم. و دیگر سراغ آن کتاب هم نرفتم.

روزی در مقابل تلویزیون نشسته بودم و طبق معمول شبکه بی بی سی را مشاهده می کردم، برنامه ای بود که در آن مجری با سه نفر از دانشمندان ناسا متخصص در علوم فضایی

مصاحبه داشت. موضوع برنامه جنگ ستارگان و صرف میلیاردها دلار در این راه و اعتراض به این موضوع بود. مجری با بیان اینکه صدها میلیون نفر در سراسر جهان از گرسنگی رنج می برند، دانشمندان را مورد انتقاد قرار داده بود و آنان هم با بیان مفید بودن این تحقیقات در مجالات کشاورزی و صنعت و غیره از این طرحها دفاع می کردند.

مجری سپس سؤال دیگری را طرح می کند باین مضمون که شما در یکی از سفرهای خود به ماه حوالی ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه کردید و تنها خواسته اید که پرچم آمریکا را بر روی ماه نصب کنید...

آیا این عاقلانه است؟! در جواب این گوینده دانشمند آمریکایی لب تشنه سخن گشوده

و می گوید: که در آن سفر، هدف ما مطالعه ترکیب داخلی ماه بوده که بدانیم چه تشابهاتی با زمین دارد.

و در این زمینه به موضوع عجیبی برخورد کردیم که عبارت بود از یک کمر بندی از سنگها و صخره های تغییر شکل یافته که سطح کره ماه را به طرف عمق و به طرف سطح دیگر آن پوشانده بود و هنگامی که این اطلاعات را به زمین شناسان منتقل کردیم مایه شگفتی آنان شده و گفتند چنین چیزی امکان ندارد.

مگر آنکه ماه در مرحله ای از حیات خود به دو نیم تقسیم شده و سپس دوباره جمع شده باشد و به شکل اول بازگشته باشد و این توار از صخره های تغییر شکل یافته نتیجه برخورد دو نیمه ماه در لحظه جمع شدن و به هم پیوستن دو نیمه آن می باشد.

داوود موسی بیتکوک، سپس می گوید: با شنیدن این مطلب از جای خود پریدم و گفتم این معجزه ای است که در ۱۴۰۰ سال قبل به دست پیامبر اسلام در قلب صحرا اتفاق افتاده و از عجایب روزگار این است که آمریکایی ها باید میلیاردها دلار خرج کنند تا آن را برای مسلمانان اثبات نمایند! بی شک این دین حق و حقیقت است...

به این ترقیب سوره قمر سبب اسلام آوردن این شخص شد، پس از آنکه عاملی برای دوری او از اسلام شده بود و این خود از دیگر معجزات اسلام است.

پی نوشت

مجله الشریعه شماره ۵۰۲ اکتبر ۲۰۰۷ چاپ اردن.

ضرورت و اهمیت تحقیق و پژوهش از دیدگاه اسلام و قرآن



خانم ا. دهقان

این مطلب روشن است که، اسلام و قرآن آدمی را به تحقیق و تتبع تشویق می‌کنند و او را می‌دارند تا در سایه آن جلوه حق را بدانگونه که هست، عیان سازند. این امر از نظری برای خود شخص و از سویی برای دیگران لازم و ضروری است، اما از نظر خود، از آن بهایت که او باید بداند چه راه و روشی برای زندگی خود برگزیده است، آنچه که او مشی می‌کند، طریق صواب است یا خطا، تنها کاوش و تحقیق است که پرده از این راز بر می‌دارد. به همین جهت پذیرش اصول اعتقادی در اسلام باید از روی تحقیق باشد وگرنه ایمان شخص ارزشی ندارد. و متعاقب آن تحقیق قبل از هر عملی عین صواب است.

اما از نظر دیگران باید بگوییم، اگر انسان را به عنوان فردی متعهد و مسئول بشناسیم بر او لازم می‌شود که از حقایقی که خود به دست آورده، دیگران را نیز آگاهی دهد و یا خود در برابر عمل و رفتار دیگران احساس مسئولیت کند به تحقیق و کشف حقیقت بپردازد و لذا آن کسی که امکان و قدرت تحقیق را دارد مسئولیت بیشتری را در قبال جامعه پیدا می‌کند.

در قرآن کریم شواهد و نمونه های زیادی دال بر فضیلت علم و علم آموزی وجود دارند. از جمله خداوند می‌فرماید:

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» مجادله / ۱۱.

«خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند بالا می‌برد و به کسانی که بهره ای از علم دارند درجات بزرگی می‌بخشد».

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». زمر / ۹.

(بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند مساوی هستند؟)

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» فاطر / ۲۸.

(و تنها بندگان دانا و دانشمند از خدا ترس آمیخته با تعظیم دارند).

«وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» عنکبوت / ۴۳.

«اینها مثالهایی هستند که ما برای مردم می‌زنیم، و جز فرزائگان، آنها را فهم نمی‌کنند».

سوای خردمندان از آنها عبرت نمی‌گیرند و درس زندگی نمی‌آموزند».



تقویت کار قلمی

الْقَلَمِ
مِیَا

خانم عفت کمال

مانند سلاح که گاهی مقدس است و گاهی نامقدس و این بسته به این است که این سلاح در دست چه کسی باشد و در دفاع از چه کسی و چه چیزی به کار گرفته شود. شمشیر در مبارزه به کار می آید، ولی ذوالفقار علی (ع) است که در دفاع از اسلام به کار گرفته می شود. و گاهی شمشیری است که این ملجم بر فرق مبارک مولا علی (ع) فرو می آورد، هر دو شمشیر است ولی این کجا و آن کجا. قسم خوردن خداوند، به قلمی است، که متعهدانه در دست انسانهای وارسته و صالح باشد. نکته بعد، دقت داشته باشیم که ما در حال جنگیم وقتی سخن از سلاح است، قطعاً پای جنگ در میان است، اگر جنگ ابتدایی مطرح نباشد، در حال جنگ تدافعی هستیم.

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» القلم ۱/ و خداوند به نام قلم قسم یاد می کند، مگر چه اهمیتی دارد که خداوند به آن قسم بخورد:

قطعاً، نوشته هایی مد نظر پروردگار است، که تعهد، قداست، ارزش جهت گیری مثبت و سازنده و الهی در آن وجود داشته باشد، لذا لازم است در زمینه تقویت کار قلمی به چند نکته توجه داشته باشیم:

نکته اول: این که ما قلم را سلاح بدانیم و تأثیر اصلاحی و تخریبی قلم را بدانیم. این اولین گامی است که باید برداریم، سخن از سلاح، سخن از مبارزه است. پس ما باید بدانیم با این سلاح در چه جبهه ای قرار داریم، در واقع مرام ما چیست، و بسته به اینکه از این سلاح قلم چه استفاده ای می شود، قلم را ارزشمند یا بی ارزش می کند.



امروز که یک جنگ قلمی و فرهنگی علیه اسلام، دین، مقدسات
انقلاب و علیه ارزشهای اخلاقی در سطح جهان وجود دارد، ما در
معرض تهاجم هستیم.

نکته ای که در اینجا وجود دارد اینکه در صورت تهاجم دشمن، نیاز
است که از خودمان دفاع کنیم یا نه؟
طبیعتاً دفاع نکردن و دست روی دست گذاشتن و بی تفاوتی در شأن
انسان آگاه نیست.

ما نباید میدان را برای تاخت و تاز دشمن بی رحم که هر لحظه
حملاتش را علیه ما بیشتر و بیشتر می کند خالی کنیم، و این مسئله
رسالت خواص و افرادی که دستی بر قلم دارند، به خصوص قشر روحانی
را بیشتر می کند، تا با سلاح خود حملات دشمنان فرهنگ اسلامی،
را خنثی کنند.

پس اهل قلم باید بنیه دفاعی و مبارزاتی خود را در عرصه قلم تقویت
کنند و در این عرصه به اندازه کافی، تولید نیرو کنند، برگزاری جلسات
، دوره های آموزشی و به کارگیری کسانی که استعداد قلمی دارند، و
تجربه ها را به آنها منتقل کنند، تا در خط مقدم دفاع از حریم اسلام،
مبارزه را آغاز کنند و باطل را رسوا سازند و شبهات را دفع نمایند.
به امید اینکه در این عرصه بتوانیم طلاب خود را مجهز کنیم، تا شاهد
دفاع آنها با استفاده از سلاح قلم باشیم.

شبهات فاطمیه

خانم ا. د

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمة وبناتها

ایام فاطمیه و روزهای عزاداری شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) از جمله روزهایی است که در کنار ایام ماه محرم، تبدیل به نمادی برای بازگویی حقایق تشیع و ارائه آرمان‌های ذاتی آن شده است. تمام اقدامات، سخنان و عکس‌العمل‌های اهل‌بیت (ع) و معارضان و مخالفان آنها در چند روز پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) نشان از وجود دو تئوری و دیدگاه متمایز و تماماً جدای از هم در میان این دو گروه است.

اگر چه مظلومیت خاندان عصمت و طهارت در این ماجراها جزء مسلمات تاریخ اسلام است، اما با این وجود برخی افراد همواره برای بهانه‌تراشی برای اقدامات افراد و گروه‌هایی معین در صدر اسلام اقدام به تشکیک‌های ناروا در این موضوع کرده اند که همواره از سوی علما و مرزبانان عقیدتی تشیع پاسخ داده شده است.

در ذیل به برخی از این گونه شبهات، به همراه پاسخ‌های آیت‌الله جعفر سبحانی می‌پردازیم

دختران و پسران، ہمگی یکسان از همه چیز
ارث می برند: (یوصیکم الله فی اولادکم للذکر
مثل حظ الأنثیین) ۱.

شبهه: می‌گویند در فقه شیعه زن از زمین و عمارت نمی‌برد، پس چگونه حضرت زهرا(س) فدک را از پدر به ارث برد؟

۲. فدک میراث نبود، بلکه نحلّه و هدیه پیامبر اکرم به دخترش زهرا(س) بود، آن گاه که آیه مبارکه (وَأَتْ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَمْدُدْ بِذِيكُمُ الْمَالَ وَلَا تَمْدُدُوا بِأَسْنَانِكُمْ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ لَكُمْ عِزٌّ بِكَافَرِيكُمْ) نازل شد.

پاسخ: این شبهه مصداق مثل معروف است که می گویند خَسَن و خَسین هر دو دختران معاویه اند، که اولاً خَسَن و خَسین نبودند، بلکه حَسَن و حَسین بودند، از آن معاویه نبودند، بلکه از آن علی بن ابی طالب (ع) بودند و سرانجام پسر بودند نه دختر. درست، این مثل بر این مورد تطبیق می کند.

«به خویشاوند نزدیک حقشان را بده و به مستمند زمین گیر و در راه مانده نیز و هرگز اسراف کار مباش.» نازل شد پیامبر گرامی فدک را که جزء انفال بود، به دخترش زهرا بخشید و سال‌ها در اختیار زهرا بود و کارگران او در آنجا کار می‌کردند، بعداً به خاطر یک حدیث مجعول، «تحن معاشر الانبیاء لا نورث» از دست زهرا گرفتند و در زمان عثمان از آن مروان و بعدها هم از آن آل مروان شد.

۱. اگر در فقه شیعه آمده که زن از عقال و زمین ارث نمی برد، مراد زوجه و همسر است، و زهرا دختر پیامبر (ص) بود.



می گویند: تاریخ اسلام، گواهی می دهد که علی (ع) یک قهرمان شجاع و خیبرگیر و دلیر و دشمن شکن بود. آیا شایسته است به همسرش جسارت شود و او سکوت کند؟

پاسخ

قهرمانی واقعی، تنها در شجاعت بدنی، خلاصه نمی شود. علاوه بر این، انسان باید از نظر روحی هم، قهرمان شجاع باشد و در جایی که اظهار شجاعت به مصلحت اسلام نباشد، بتواند خویشتن داری کند.

پیامبر گرامی (ص) از جایی عبور می کرد، جمعی را دید که مشغول وزنه برداری هستند تا نیرومندترین فرد را مشخص کنند. پیامبر (ص) فرمود: «أشجعکم من غلب هواه» شکی نیست که امیرمؤمنان، شجاع و قهرمان بود و در تاریخ اسلام، فردی به پایه او در مقاومت و دلیری نمی رسد، او تنها کسی است که پیامبر در جنگ خندق، درباره اش فرمود: «ضربة علی يوم الخندق أفضل من عبادة

الثقلین» ۳

ولی مصالح آن روز امت اسلامی، ایجاب می کرد که صبر و بردباری را بر اعمال قدرت، ترجیح دهد. زیرا ستون پنجم در داخل مدینه مشغول فعالیت بود که نظم را به هم بزند. اعراب بیرون مدینه از اسلام دوری جسته و رسماً مرتد شده بودند. در چنین شرایطی اعمال قدرت، و کشتن مهاجم و دستیاران او، نتیجه ای جز یک جنگ داخلی تمام عیار میان بنی هاشم و قبیله های تبیم و عدی در برنداشت، از این جهت، امام بردباری را پیشه کرد و کرارا این سخن را تکرار می کرد:

«قوالله ما كان يلقى في روعي، ولا يخطر ببالي، أن العرب تزجج هذا الأمر من بعده (ص) عن أهل بيته، ولا أنهم منخوه عني من بعده! فما راعني إلا اتشال الناس على فلان بباعونه، فأمسكت يدي حتى رأيت راجعة الناس قد رجعت عن الإسلام، يدعون إلى محق دين محمد (ص) فخشيت إن لم أنصر الإسلام وأهله أن أرى فيه ثلماً أو هدماً، تكون المصيبة به علي أعظم من فوت ولايتكم التي إنما هي متاع أيام قلائل، يزول منها ما كان كما يزول السراب، أو كما يتشع السحاب؛ فنهضت في تلك الأحداث حتى زاح الباطل وزهق، واطمأن الدين وتنهت» ۴



«به خدا سوگند هرگز فکر نمی کردم؛ و به خاطر خطور نمی کرد که عرب بعد از پیامبر؛ امر امامت و رهبری را از اهل بیت او بگردانند» (و در جای دیگر قرار دهند و باور نمی کردم) آنها آن را از من دور سازند! تنها چیزی که مرا ناراحت کرد اجتماع مردم اطراف فلان... بود که با او بیعت کنند، دست بر روی دست گذاردم تا این که با چشم خود دیدم گروهی از اسلام بازگشته و می خواهند دین محمد(ص) را نابود سازند. (در اینجا بود) که ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم باید شاهد نابودی و شکاف در اسلام باشم که مصیبت آن برای من از رها ساختن خلافت و حکومت بر شما بزرگتر بود چرا که این بهره دوران کوتاه زندگی دنیا است، که زایل و تمام می شود. همان طور که «سراب» تمام می شود و یا همچون ابرهایی که از هم می پاشند. پس برای دفع این حوادث به پا خاستم تا باطل از میان رفت و نابود شد و دین پابرجا و محکم گردید».

پی نوشت:

۱. نساء / ۱۱.

۲. اسراء / ۲۶.

۳. تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۱۵۵ (ترجمه علی (علیه السلام)
(؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۲۵۵؛ الدر المنثور، ج ۵، ص



گفتگوی ویژه

خانم صادقی مبلغ و مدرس مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

ضمن عرض سلام و احترام، از این که قبول زحمت فرمودید، تا بتوانیم با شما گفتگویی داشته باشیم متشکرم.

خانم صادقی بزرگوار، لطفاً از خودتان و از فعالیتهایتان برای ما، صحبت بفرمایید:

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

من هم عرض سلام و ادب دارم.

خانم سکینه صادقی هستم، سطح ۳ حوزه، مبلغ و مدرس حوزه که از سال ۱۳۷۸ وارد حوزه علمیه شدم و از سال ۱۳۸۰ تبلیغ و تدریس را شروع کردم و تا کنون هم ادامه دارد. و در طول این مدت با مراکز مختلف از جمله آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، بسیج خواهران، سپاه ناحیه داراب، اداره اوقاف و امور خیریه، کمیته امداد، پایگاههای بسیج خواهران و سایر مراکز، همکاری لازم را در امر سخنرانی و آموزش داشته ام.

خانم صادقی، شما در زمینه کارهای فرهنگی و تبلیغی فرد موفقی هستید، لطفاً بفرمایید، چه عواملی باعث موفقیت شما بوده و هست؟

من در مرحله اول خودم را موفق نمی دانم، چون هنوز مراحل زیادی مانده که باید طی کنم، ولی از باب تجربه خدمت شما عرض کنم که به خدا توکل دارم و اکثر اوقات از مادرم می خواهم، که برایم دعا کند.

و نکته مهم این است که در سخنرانی و امر تبلیغ باید به نیاز مخاطب توجه شود. گاهی اوقات بیمار به سراغ پزشک می رود و دارو را مصرف می کند ولی خوب نمی شود چون دارو به درد او نخورده است. گاهی اوقات شخصی ۱۰ تا آمپول می زند، خوب نمی شود، ولی با یک قرص کوچک درد او درمان می شود، لذا باید متناسب با نیاز مخاطب صحبت کنیم و من دغدغه این را دارم که درد مخاطب را درمان کنم و تمام فکر من قبل از سخنرانی این است که چگونه مطلب را به مخاطب القا کنم، که درد او درمان شود، و مثل فیلم ساز دنبال این هستم که چگونه و از چه راهی و با استفاده از چه ابزاری این پیام که نیاز مخاطب است را به او القا کنم، و این باعث می شود که سخنرانی من جذاب می شود. و از تکه های فیلم، از آهنگهای مذهبی، یا از داستان استفاده می کنم و در مخاطب اثر می گذارد و مطلب را می گیرد، و به زبان خود مردم و ساده و راحت صحبت می کنم. ارتباط برقرار می کنم و چون مخاطب من اکثر اوقات عموم هستند، سعی می کنم یک نکته علمی بگویم که فرد با سواد که در جلسه هست استفاده کند، یک نکته ساده هم می گویم، تا فرد بی سواد هم استفاده کند، و شناخت مخاطب و نیاز او در جذابیت سخنرانی بسیار مؤثر است.

خانم ا. دهقان

خانم صادقی لطفاً اگر خاطره ای از زمان تبلیغتان دارید، بفرمایید؟

خاطرات زیادی دارم اما یکی از خاطراتم این است که اولین باری که رفتم برای تبلیغ، وقتی شروع کردم خطبه بخوانم همین که گفتم الحمد لله رب العالمین، بقیه خطبه را فراموش کردم، هر چه فکر کردم یادم نیامد و گفتم: الرحمن الرحیم مالک يوم الدين و چند آیه سوره حمد را خواندم و بعد سخنرانی را شروع کردم.

لطفاً اگر نکته دیگری باید می پرسیدم و فراموش کردم، خودتان بفرمایید:

صحبت خاصی نیست، فقط در کارها خدا را در نظر داشته باشیم، تشکر از زحمات شما

خواهش می کنم، در پایان یک بار دیگر از این که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، تشکر می کنم، موفق و مؤید باشید.

مطمئناً، طلاب و علاقه مندان به کار تبلیغ دین، دوست دارند توصیه ها و رهنمودهایی را از شخص شما، دریافت کنند، لطف کنید و بفرمایید برای عزیزان مخاطب چه توصیه هایی دارید؟

و اینکه خودش اهل عمل و عامل باشد، حضرت امام(ره) خیلی ساده حرف می زدند، ولی در جان مردم می نشست و دلها را تکان می داد، اگر می خواهیم حرف ما دلها را تکان دهد، باید اهل عمل باشیم و به آن حرفهایی که می زنیم اعتقاد و باور داشته باشیم.

چون یک موقع می خواهیم حرفها را منتقل کنیم، اما یک موقع می خواهیم در مردم اثر بگذاریم، لذا باید اهل عمل باشیم.

با وضو بودن و توسل به اهل بیت (ع) و همراه شدن با آنان، خیلی مهم است، خصوصاً توسل به حضرت زهرا(س)، و شروع جلسه با صلوات و دعای فرج.

اهل مطالعه بودن خیلی مهم است که مطلب برای گفتن داشته باشیم.

کوتاه صحبت کنیم و به موقع حاضر شدن در جلسه، این خیلی خیلی، خیلی مهم است.

از داستان، روایات، حکایتها و ... استفاده کنیم.





تبلیغ با عمل و بصیرت در کلام رهبر معظم انقلاب

اصل مسئله تبلیغ، ناظر است به عمل، همراه با بصیرت و یقین. باید بصیرت باشد، یقین، یعنی همان ایمان قلبی متعهدانه، وجود داشته باشد و بر پایه این بصیرت و یقین، حرکت انجام بگیرد. اگر بصیرت بود، یقین بود، اما کاری انجام نگرفت، این مطلوب نیست؛ تبلیغ نشده است. اگر چیزی تبلیغ شد، اما بدون بصیرت و بدون یقین، هر کدام از این ها کم باشد، یک پایه خراب است و مطلوب به دست نخواهد آمد. این یقین همان چیزی است که «امان الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کلّ امان بالله و ملائکته و کتبه و رسله» یعنی اول کسی که به پیام، اعتقاد و ایمان عمیق پیدا می کند، خود پیام آور است. اگر این نبود، کار دنباله پیدا نخواهد کرد، نفوذ نخواهد کرد. آن ایمان هم باید با بصیرت همراه باشد؛ همچنانی که حالا درباره بصیرت مطالبی گفته شده است و روشن است. این، می شود عمل صالح. یعنی «انّ الذین امنوا و عملوا الصالحات»، واقعاً عمل صالح و مصداق اتم عمل صالح، همین تبلیغ است که انجام باید بگیرد. پس در باب تبلیغ، باید فکر کرد، باید کار کرد.

معرفی مجموعه ۱۵ جلدی ره پویه



در این بخش برای طلاب و مبلغین گرامی مجموعه پانزده جلدی (ره پویه) را انتخاب کردیم، که مجموعه ای ارزنده و البته مختصر باز نکاتی است که برای طلاب می تواند مفید باشد.



بهداشت مو

خاتم صغری قربانی

- ۳- پرهیز از دم اسبی بستن موها و محکم بستن که ریزش مو را تسریع می کند.
- ۴- استفاده از سبزی و میوه های تازه در سبد برنامه غذایی
- ۵- به جای استفاده از ژل ها که باعث خفگی مو می شود از روغن گیاهی استفاده شود.
- ۶ استفاده از حنا.
- ۷- استفاده از دم کرده سبوس برنج برای تقویت مو.
- ۸- استفاده از پروتئین ها ، کلسیم و منیزیم در برنامه غذایی
۹. استفاده از ویتامینهای گروه (ب ۲)، جگر، موز، تخم آفتابگردان، آلوی خشک و...).
۱۰. کاهش مصرف نمک.
۱۱. استفاده از شانه برس چوبی به جای پلاستیکی.
۱۲. پرهیز از استفاده بیش از اندازه از سشوار.

پی نوشت:

بهداشت پوست و مو (علیرضا عباسپور)
راز زیبایی (علی سپهر منصوری)
رهنمودهای بهداشتی در خانواده، تبیان

موی سر نقش زیادی در زیبایی چهره دارد و ریزش مو با اینکه از نظر افراد معدودی مسأله مهمی نیست، اما برای بیشتر انسانها یک موضوع ناراحت کننده است ، به طوری که از صدها سال پیش انسانها مخصوصا پزشکان در پی یافتن دارویی برای جلوگیری از ریزش و یا رویش مجدد بوده اند.

موها وضعیت سلامت عمومی فرد را نشان می دهد، موی شما نشانه ای از سلامتی شماست و با بروز کوچکترین مشکلی در بدن و یا عدم توجه به اصول اساسی بهداشت و یا رعایت نکردن رژیم غذایی مناسب به شما هشدار می دهد.

عواملی که در ریزش نقش دارند عبارتند از: ابتلا به یک عفونت جدی، زایمان، حاملگی، کم خونی و فقر آهن، عوامل شیطانی، قرص های ضد بارداری، داروهای ضد افسردگی، استرس شدید، اضطراب، کمبود ویتامینها، خصوصا ویتامین (ب ۱ و ب ۲) ناراحتی های عصبی، کم خوابی یا بد خوابی، کم کاری غده تیروئید و کیست تخمدان و...

از جمله مواردی هستند که سلامت موها را به خطر می اندازند، و رشد موها را متوقف می کنند.

توجه به نکات زیر در سلامت موها حائز اهمیت است.

۱. خوردن شیرینی ، نوشابه های گازدار ، قند و شکر را به حداقل رسانید.
۲. موها را در حالت خیس شانه نزنید.

نه گفتن

کلمه ای که خیلی از افراد جرأت گفتن آن را ندارند و برای خود درد سرهای زیادی بوجود می آورند. در واقع مهارت «نه» گفتن یکی از مهارت‌های اساسی سلامت روان است. همه شما بارها در موقعیت هایی قرار گرفته اید که گفتن کلمه «نه» برایتان سخت و دشوار بوده است، برای مثال دوستی از شما می خواهد که برای خرید لباس با او همراهی کنید و شما مایل به این کار نبودید. یا اینکه دوستی می خواهد به منزل شما بیاید و شما آمادگی پذیرایی از ایشان را نداشته اید...

چه چیزی باعث می شود که فرد برخلاف میل باطنی خود کاری را قبول کند و قدرت «نه» گفتن را نداشته باشد:

۱. دائما می خواهیم دیگران را از خود راضی و خوشحال نگه داریم.
۲. دنبال تأیید دیگران است، دوست دارد دیگران تأییدش کنند.
۳. ترس از برخورد نامناسب طرف مقابل.
۴. ترس از دست دادن فرصت.
۵. نه گفتن به طرف مقابل را بی ادبی می داند.

در بسیاری از اوقات جواب مثبت به دیگران باعث می شود فرد در مدیریت زمان خود دچار مشکل شود، در واقع این باور غلطی است، که همیشه باید به دیگران جواب مثبت داد، با داشتن همچون باوری فرد به خود آسیب می رساند.

چون کاری را انجام داده که بر خلاف میل باطنی اش بوده، به همین خاطر احساس خوبی نسبت به خودش ندارد. دائم خودش را سرزنش می کند و بسیاری موارد دچار استرس و اضطراب شده و همین باعث می شود فرد ساعتها و یا روزها از برنامه های مهم زندگی عقب بیفتد و فشار روحی و روانی را تحمل کند.

• با «نه» شنیدن منطقی برخورد کنیم نه احساسی

• وقتی کسی نمی تواند یا نمی خواهد کاری را برایشان انجام دهد، از او دلخور نشویم و کینه به دل نگیریم.

• از کودکی آموخته ایم که باید برای رضایت دیگران، بیشتر از خواسته های خود و برنامه های خود ارزش قائل باشیم.

• همیشه به یاد داشته باشید که «نه» گفتن یک هنر است و قدرت «نه» گفتن یک توانایی.

پی نوشت ها:

مهارت‌های زندگی، محمود اکبری
سایت تبیان

چیستی و چرایی شکل گیری جریان های تکفیری در دهه اخیر

خاتم حدیثه آبسالان



او با توسعه مفهوم عبادت، بسیاری از عقاید و اعمال مسلمانان، به ویژه مسلمانان غیر وهابی را کافر می شمارد و احترام به قبور، توسل به انبیاء و اولیاء و طلب شفاعت از آنان را از مصادیق شرک می داند. و تقلید از ائمه اربعه را حرام کردند. این مسئله باعث شد که امروزه نگاه پیروانش به تقلید حرام باشد و به راحتی با توجه به فتوای رهبران گروههایشان دست به قتل مسلمانان بزنند.

گروههای تکفیری در قرن حاضر

امروز گروه های جهادی تکفیری ها با تمسک به فتوای جهادی ابن تیمیه دست به کشتار مسلمانان می زنند. و در سی ساله اخیر، گروههای متعددی از جریانهای تکفیری در کشورهای اسلامی بوجود آمده اند. که غالباً به یکی از سه جریان اصلی تکفیری وهابیت، سپاه صحابه، طالبان و سلفیه جهادی القاعده وابسته اند.

بیشتر این گروهها به سلفیه جهادی پیوسته اند. این گروهها جهاد را واجب دانسته و پیدایش آن بازگشت به کتابی از «سید قطب» به نام «المعالم فی الطریقه» است. با توجه به نظر ایشان ما در دوران جاهلیت قرن بیستم زندگی می کنیم، باید این جاهلیت را که همان فرهنگ غرب است را از بین ببریم.

ورود فرهنگ غرب به جهان اسلام و فروپاشی امپراتوری عثمانی، بازتاب فراوانی در جامعه اسلامی داشت و مسأله خلافت از مهمترین مسائلی است که در صد سال گذشته، ذهن مسلمانان اهل سنت را به خود مشغول کرده است و تعداد کثیری از متفکران اهل سنت راه برون رفت از این وضعیت را بازگشت به سلف می دانند و شعار بازگشت به سلف، اولین بار در مصر طنین انداز شد، اما این شعار مورد سوء استفاده وهابیت قرار گرفت و آنها نیز، خود را سلفی نامیدند، و افکار «ابن تیمیه» را به عنوان افکار سلف ترویج کردند.

این گروهها برای احیای خلافت اسلامی و حکومت اسلامی، به فتوای ابن تیمیه متمسک شده و گاه با حکم جهاد، تکفیر را در جهان اسلام نهادینه کردند.

از آنجا که تمام جریانهای تکفیری از دل سلفیه بیرون آورده اند، و افکار سلفیه وابستگی کامل به ابن تیمیه دارد، لازم است، برای شناخت جریانهای تکفیری و سلفیه، ابن تیمیه را بشناسیم. «ابن تیمیه» در سال ۶۶۴ قمری در خانواده حنبلی، اصحاب حدیث متولد شد. خاندان او از قدیم مخالف فلاسفه و عرفان بوده اند.

او با تفسیر جدید از حدیث خیر القرون، مکتب سلفیه را تأسیس کرد.



و با مرگ زرقاوی در سال ۲۰۰۶، ظواهری بلافاصله «ابو ایوب مصری» را رهبر گروه القاعده کرد و این گروه نام خود را به (دولت اسلامی عراق) تغییر داد.

هم اکنون این گروه به رهبری «ابوبکر بغدادی» فعالیت می کند، این گروه از نظر ایدئولوژیک اگر چه یک جریان (سلفی - وهابی) است، اما از لحاظ تاکتیک های نظامی ویزگیهای مخصوص به خود دارد.

اهداف آنها بازگشت از کفر به اسلام است و تشکیل حکومت اسلامی و قلمروگشایی، و در این راستا بیشترین رعب و وحشت و کشتار را بین کشورها و مسلمانان بوجود آورده اند.

در اوایل، این گروه محدود به عراق بود، اما با توجه به بحران سوریه، این کشور را ظرفیت خوبی برای فتح و تشکیل حکومت دیدند و در این کشور نیز گروههای خود را سازماندهی کردند و نام خود را داعش (دولت اسلامی عراق و شام) نام نهادند.

این گروههای افراطی و تکفیری چه تهدیداتی برای اسلام ناب محمدی (ص) دارد؟ مردم چگونه به این گروهها جذب می شوند؟ نقش کشورهای غربی، آمریکا و انگلیس در بوجود آمدن آنها چگونه است؟ ادامه دارد...

پی نوشت ها:

جابری، محمد، (داعش در افرا زمان)
ساجدی نیا، محمد، (سلفیه تا داعش)
مقالات علمی پژوهشی.

تا اینجا، سخنان ایشان اشکالی نداشت، اما این تفکر که هر کس به این جاهلیت راضی باشد، او هم کافر است، و تمام شهرهای اسلام، شهرهای جاهلی است، جهان اسلام را به تلاطم انداخت.

و پیروان سید قطب با توجه به توصیه های او مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی و جهاد با کفر، گروههای تکفیری متعددی را در مصر و

کشورهای عربی تأسیس کردند و بسیاری از جوانان تندرو افراطی را جذب خود کردند. و این تفکرات روز به روز بین گروههای تندرو و افراطی نفوذ می کرد و گروههای جهادی سلفی را

تشکیل می دادند. برای نمونه جنگ افغانستان فرصت خوبی برای سلفیان جهادی بود این باعث شد که بسیاری از سلفیان جهادی به افغانستان رفته و در جنگ شرکت کنند.

«اسامه بن لادن» که از رهبران گروه القاعده می باشد، نیز در این جنگ شرکت کرد و به عنوان معاون «عبدالله عزام» رشادت هایی از خود نشان داد. بعد از ترور عبدالله عزام در سال ۱۹۹۴ بار

دیگر سلفیان جهادی به رهبری اسامه بن لادن در پیشاور پاکستان جمع شدند و گروه القاعده را تشکیل دادند. که مهمترین هدف آنها مبارزه با آمریکا بود. و به چندین سفارتخانه آمریکا در چند کشور حمله کردند و از آن به بعد القاعده به عنوان یک گروه تروریستی از طرف آمریکا مطرح شد.

در حمله آمریکا به عراق در سالهای ۲۰۰۳ گروه جدیدی در عراق به رهبری «زرقاوی» شکل گرفت که آن گروه را شاخه ای از القاعده می دانستند، در سال ۲۰۰۴ میلادی، با شبکه

القاعده، به رهبری اسامه بن لادن و «ظواهری» بیعت کردند، اما تندروی های زرقاوی باعث شد که این رابطه به تیرگی کشیده شود

خاتم فاطمه هادیزاده



سیر دشمن سر سخت سرماخوردگی

لطفاً تا اسم سیر را می شنوید صدایتان را بالا نبرید که بو می دهد و دهانتان بوی سیر می گیرد.

سیر کلی خاصیت دارد که می توانید بوی آن را فراموش کنید. مثلاً متخصصان تغذیه معتقدند خوردن سیر، از سرماخوردگی جلوگیری می کند. دانشمندان ۱۲ هفته در زمستان به ۱۴۶ نفر، روزی یک عدد سیر دادند و به ۱۴۶ نفر سیر ندادند. طی این دوره آزمایشی، از ۱۴۶ نفری که سیر مصرف کرده بودند، ۲۴ نفر به سرماخوردگی مبتلا شدند در حالی که از ۱۴۶ نفری که به آن ها سیر نداده بودند، ۶۵ نفر دچار سرماخوردگی شدند.

علاوه بر این افراد گروهی که سیر مصرف کرده، ولی سرماخورده بودند خیلی زودتر از کسانی که سیر مصرف نکرده و سرماخورده بودند بهبود یافتند.

یکی از دلایلی که دانشمندان برای این تاثیر اعلام کرده اند، این است که ترکیبی موسوم به (آلیسین) در سیر، که فعال ترین ترکیب موجود در سیر است، مانع از فعالیت آنزیم هایی می شود که در عفونت های میکروبی و ویروسی نقش دارند.

برای پیشگیری و جلوگیری از سکت و حمله قلبی چقدر گردو بخوریم؟

تاثیر گردو بر سلامت قلب امری ثابت شده است و پزشکان بدون شک برای پیشگیری از حملات و بیماری های قلبی گنجانیدن این ماده غذایی پرخاصیت را در برنامه غذایی زنان و مردان توصیه می کنند. مطالعات نشان داده اند که مغزیجات آجیلی نظیر گردو، مملو از مواد مغذی مهمی همچون چربی ها، پروتئین، ویتامین ها و مواد معدنی هستند که می توانند باعث کاهش کلسترول خون شوند. همچنین گردو در کاهش التهاب و بهبود عملکرد عروق که نقش بسیار مهمی در بیماری های قلبی دارند، بسیار عالی عمل می کند.



برای همه ما پیش می آید که دچار آفت دهان، گلودرد، دندان درد و یا زگیل و غیره شویم. خوشبختانه درمان های طبیعی و ساده ای برای این قبیل ناخوشی ها وجود دارد که روغن درخت چای یکی از آنهاست. این روغن طبیعی خاصیت ضد میکروبی دارد و برای درمان ناخوشی های روزمره فوق العاده است. در این مطلب شما را بیشتر با خواص این روغن آشنا می کنیم.

روغن درخت چای، پایان بخش آفت
آفت های دهانی معمولا دردناک و آزاردهنده هستند. چند قطره روغن درخت چای می تواند به این درد پایان دهد. خواص ضد باکتریایی و ضد انگلی این روغن طبیعی در عرض چند روز، میکروب آفت را از بین می برد.

روش استفاده
دو قطره روغن گیاهی درخت چای را با چهار قطره روغن زیتون مخلوط کرده و با پنبه ای تمیز روی آفت بزنید.
این کار را دو بار در روز انجام دهید تا آفت به طور کامل درمان شود.
توجه داشته باشید اگر علائم این بیماری از بین نرود، به پزشک مراجعه کنید.

روغن درخت چای برای درمان گلودرد
اگر گلودرد دارید؟ یکی از روش های طبیعی برای رفع مشکلات، استفاده از روغن درخت چای است. بدون شک طعم خوبی ندارد، اما قرقره کردن با آن می تواند باکتری ها را نابود کرده و شما را از گلودرد نجات دهد.

روش استفاده
دو قطره روغن درخت چای را با کمی عسل مخلوط کنید. ترکیب را رقیق تر کرده و هر روز سه مرتبه با آن قرقره کنید. اگر بعد از چند روز علائم بیماری تان بهبود نیابد، به پزشک مراجعه کنید.
لته های ملتهب و دردناک معمولا نتیجه تجمع میکروب در دهان است. خوشبختانه روغن درخت چای به دلیل دارا بودن خواص ضد باکتریایی می تواند غشای مخاط را تمیز کرده و درد را تسکین دهد.

پی نوشت
سایت سلامت اسلام و سلامت
سایت سلامت طب سنتی و گیاهان دارویی

اسفند در آینه تاریخ

۸ اسفند

روز امور تربیتی و تربیت اسلامی

پیامبر (ص):

اَكْرَمُوا اولادَكُمْ و احْسِنُوا اَدَابَهُمْ

به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو

تربیت کنید. ۱

امام علی (ع):

اَفْضَلُ الْاَدَبِ مَا بَدَأْتَ بِهِ نَفْسَكَ. ۲

بهترین ادب آن است که از خود آغاز کنی

۱۴ اسفند

روز احسان و نیکو کاری

امام علی (ع):

اِنَّ اَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ اِلَى اللَّهِ مَنْ اَعَانَ الْمُؤْمِنَ

الْفَقِيرَ مِنَ الْفَقْرِ فِي دُنْيَاةٍ وَ مَعَاثِهِ ۳

محبوبترین مؤمن نزد خداوند، کسی است که

مؤمن فقیری را، در تنگدستی دنیا و گذران

زندگی، یاری رساند

امام کاظم (ع):

اِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْاَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي خَوَاصِّ النَّاسِ

هُمْ الْاَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ۴

خداوند در زمین پندگانی دارد که برای برآوردن

نیازهای مردم می کوشند؛ اینان ایمنی یافتگان

روز قیامت اند.

۱۵ اسفند روز درختکاری

امام صادق (ع)

اِزْرَعُوا و اَغْرِسُوا وَاللّٰهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا اَجَلَ

و لَا اَطْيَبَ مِنْهُ. ۵

کشت کنید و درخت بنشانید؛ به خدا قسم

آدمیان کاری برتر و پاکتر از این نکرده اند.

۲۹ اسفند

روز ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ ش)

پی نوشت:

۱. میزان الحکمه، ج ۲۲۷۴۷.

۲. میزان الحکمه، ج ۳۶۹.

۳. تحف العقول، ص ۳۷۶.

۴. کافی: ج ۲، ص ۱۹۷.

۵. بحار الأنوار: ج ۱۰۳، ص ۶۸.



کمال الدین و تمام النعمه

کمال الدین و تمام النعمه، تألیف عالم بزرگ و برجسته شیعه، (محمد بن علی بن بابویه قمی) معروف به (شیخ صدوق) (متوفای ۳۸۱ق) به موضوع غیبت و ظهور امام زمان (عج) می پردازد. شیخ صدوق در این کتاب نمونه‌های فراوانی از غیبت پیامبران الهی را آورده و به بررسی کامل امامت حضرت مهدی (ع)، تولد ایشان، روایات پیامبر (ص) و ائمه (ع)، درباره ظهور آن حضرت، کسانی که به خدمت آن حضرت رسیده‌اند و شرایط دوران ظهور ایشان پرداخته است.

نام کتاب کمال الدین و تمام النعمه از این آیه شریفه (اکمال) در سوره مائده اتخاذ شده که در آن آمده است «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا»، (مائده: ۳) یعنی امروز دین شما را برایتان کامل ساختم و نعمتم را بر شما تمام کردم و از اسلام به عنوان دین برای شما خشنودم. که این مطلب را، در مقدمه کتاب، ذکر نموده است.

شیخ صدوق انگیزه خود را از نگارش این کتاب، دفاع از مسأله غیبت بیان می‌کند. این کتاب مجموعاً دارای ۶۲۱ روایت از ۸۸ راوی در ۶۳ باب است. برخی موضوعات مورد بحث در این ابواب عبارت‌اند از: آفرینش حجت خدا قبل از آفرینش دیگر انسانها بوده است.

فقط خداوند حق انتخاب خلیفه و جانشین خود را دارد. اثبات غیبت و حکمت آن. جواب‌های این قبه رازی. غیبت حضرت نوح، صالح، ابراهیم و یوسف (ع). روایات اهل بیت (ع) درباره غیبت. کسانی که امام زمان (عج) را مشاهده کرده‌اند. نامه‌های آن حضرت. علامات ظهور. ثواب انتظار، و موضوعات فراوان دیگر.





اخبار فرهنگی

خاتم سکینه صادقی



دهه مبارک فجر انقلاب

- برگزاری مراسم گرامیداشت آغاز دهه فجر (۱۲ بهمن) با حضور آقای خادمیان سخنرانی خاتم معصومی پیرامون انقلاب اسلامی و برکات آن در جامعه
- برگزاری نشست طلبه و انقلاب با حضور نماینده ولی فقیه در سپاه ناحیه داراب حاج آقا قانعی
- همکاری در برگزاری گفتمان دینی با حضور طلاب خواهر و برادر با سخنرانی آقای مسجدی استاد دانشگاه آزاد
- برگزاری نشست انقلاب و انتظار با حضور خاتم افسرده استاد حوزه
- برگزاری نشست با حضور حجة الاسلام حاج آقا عندلیبی در جمع طلاب بسیجی
- برگزاری مراسم شیی با قرآن و محفل انس با قرآن در جوار امامزاده ابوالقاسم بن موسی الکاظم
- برگزاری نشست با حضور آقای دولتخواه : که ایشان مطالبی را با توجه به حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه بیان کردند
- اعزام دوازده نفر از مبلغین به اردوی راهیان نور
- بیان خاطرات انقلاب توسط خاتم بهادری

دهه محرم و صفر

- برگزاری مراسم دهه محرم با عنوان (ده شب با کاروان کربلا)
- اعزام ۴۰ نفر از مبلغین به شهر و روستا و پایگاهها، در سطح شهرستان و برگزاری مراسم عزاداری و سخنرانی ایام محرم و صفر
- برپایی مراسم عزاداری و سخنرانی با حضور ۵۰۰ نفر از خواهران سطح شهرستان در حوزه
- برپایی جلسه آموزشی با عنوان روایتگری حماسه عاشورا ویژه خواهران مداح و مبلغین بسیجی با روایتگری و سخنرانی سرکار خاتم معصومی
- برگزاری جلسه ویژه مداحان، توسط خاتم معصومی مدیر محترم حوزه علمیه، با حضور ۵۰ نفر از مداحان خواهر در پایگاه بسیج طلاب در تاریخ (۹۴/۹/۳)
- اعزام ۲۰ نفر از مبلغین به اردوی راهیان نور دانش آموزی به پایگاه های بسیج داراب و زرین دشت

گزارش پژوهشی

خانم عفت کمال



• اجرای سیر مطالعاتی مهدویت با عنوان پیشوای آسمانی

معاونت پژوهشی مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) شهرستان داراب به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی و کسب معارف مهدویت و در راستای فرهنگ سازی اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی سیر مطالعاتی مهدویت با عنوان پیشوای آسمانی برگزار نمود.

• برگزاری نشست با موضوع پژوهش اثری ماندگار به مناسبت هفته پژوهش، نشستی با عنوان پژوهش اثری ماندگار با حضور حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای ساجدی نیا برگزار گردید.

• برگزاری نمایشگاه کتاب به مناسبت هفته پژوهش

واحد پژوهش به مناسبت هفته پژوهش با همکاری مسئول کتابخانه ای مدرسه اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب نمود. در این نمایشگاه، حدود ۱۲۰ جلد کتاب و آثار پژوهشی طلاب، پایان نامه های برتر سال، مجموعه نرم افزارهای کتابخانه های اسلامی و... در معرض دید طلاب قرار گرفت.

• بازدید طلاب از نمایشگاه کتاب در سطح شهرستان.
• بازدید از کتابخانه عمومی شهرستان.

اسامی طلاب برتر علمی
نیم سال اول تحصیلی ۹۵-۹۴



در پی اهتمام به پشتکار روز افزون شما که هماهنگ با فطرت خداجوی آدمی و قرین با دین باوری و ایمان است، فرصت را مغتنم شمرده و موفقیت شما را در زمینه کسب رتبه علمی برتر در نیمسال اول تحصیلی ۹۵-۹۴ را ارج می نهیم، امید به اینکه با توکل به پروردگار متعال و بهرمندی از ارزشهای دینی و ملی شاهد رشد و شکوفایی استعدادهای الهی و معنوی بیشتر شما در جهت کسب رتبه های علمی بالاتر باشیم.

پایه چهارم

هدا زینلی: ۱۹.۸۲
زهرا کارگر: ۱۹.۴۶
طاهره رزمخواه: ۱۹.۰۹

پایه اول:

حلیمه قربانی: با معدل ۱۹.۸۴
فاطمه نبی پور: ۱۹.۷۸
الهه فتوحی: ۱۹.۵۹
گوهر داریوشی: ۱۹.۵۹

پایه پنجم

اسما بهروزی: ۱۹.۶۱
مریم ملک پور: ۱۹.۵۰
الهه دهقانی: ۱۹.۴۳

پایه دوم:

سهیلا چمران: ۲۰
حدیثه آسلان: ۱۹.۸۱
راضیه مصطفوی: ۱۹.۷۷

پایه سوم

طاهره فرهادی: ۱۹.۵۵
سیده آسیه حسینی: ۱۹.۳۰
رقیه دهقانی: ۱۹.۲۴



خاتم ز.م

در حالی که قدم می زد، ناامید از همه جا و همه کس اشک از چشمانش جاری بود، نمی دانست چکار باید بکند، چقدر مادرش را دوست داشت، از وقتی که دست چپ و راستش را شناخته بود، مادرش مانند یک دوست در کنارش بود، هر چند بعضی وقتها حرفهای مادرش را قبول نمی کرد و می گفت: مادر تو چقدر ساده ای! تو خیلی چیزها را نمی فهمی!

مخصوصاً وقتی در مدرسه بعضی بچه ها با هم از شغل پدر و ماشین های جدید شون حرف می زدند و او احساس می کرد، که خدا چقدر او را نادیده گرفته است. وقتی مادرش می گفت: خدا به هر کسی هر چه بخواهد می دهد، با ریشخند می گفت: پس چرا خدا به ما، نمی خواهد چیزی بدهد، مگر ما چه بدی کرده ایم؟ مادرش می گفت: فرزندم تو تکیه گاهت خدا باشد، اگر به او اعتماد کنی، حتماً او هم، هوای تو را دارد.

و حالا پدر که ندارد، مادر نیز بر روی تخت بیمارستان، با خودش زمزمه می کرد، خدایا مادرم می گفت: تو می بینی و از حال بنده ات با خبری، بگو که من چکار کنم، همه دوستانم یک ماه است، که مشغول درس خواندن شده اند.


...
هما نظور که متوجه شدید، داستان ما، ناتمام است،
و ما در نظر داریم، به بهترین اثر تکمیل کننده داستان فوق، به قید قرعه، هدیه اهدا کنیم، پس، دست بکار شوید و داستان را با قلم خودتان، تکمیل نمایید.

دوست گرامی

راهنمایی ها، نظرات و پیشنهادات شما، «بشری» را در
دستیابی به اهداف خود که همانا رضایت شما عزیزان است،
یاری خواهد کرد.

«لطفاً نظرات و پیشنهادات خود را در مورد (محتوا و شکل
ظاهری و ...) نشریه با واحد نشریه مطرح فرمایید.

با تشکر



امام علی (ع) :

الْكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَعْيَالِهِ دَيْنًا عَلَيْهِ يَقْضِيهِ

بزرگوار، نیکوکاری های خود را بدهی به گردن خود می داند که
باید بپردازد.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۸۸ ح ۸۸۸۶



دل باشد دوباره پریشان مادر

آقا سیاه مجلس ما، جان مادر

روزی فاطمه ما را زیاده کن

دست شامت سفره احسان مادر

وای

